

A comparative study of the quality, time and conditions of the domination of Islam, from the point of view of foreign commentators and its comparison with the thought of Imam Khamenei (with the focus on verse 33 of Repentance Surah)

Mohsen Khoshfar¹, Leila Ebrahimi²

Abstract

Statement of the problem: The promise of the victory of the Islamic religion's values in the history of humanity over pseudo-values and anti-values is explicitly stated in the Quran. The phrase "It will be revealed to the entire religion" is repeated in three verses, including verse 33 of Surah Towbah. now

Questions such as how will Islam prevail? When is this promise? What conditions are necessary for such a victory? arises.

Method: In response to these questions, the present research aims to do a descriptive-analytical investigation of the viewpoints of Fariqin commentators by using commentary books and comparing it with Imam Khamenei's thought

Conclusion: There is a difference between the commentators on how Islam prevailed. Some have seen it as objective victory with Jihad and others as victory with logic and reason. At the time of the fulfillment of this divine promise, there are many opinions; including at the beginning of Islam or according to many narrations from the Fariqin, it will be at the time of emergence; But Imam Khamenei believes that this approach that one day Islam will prevail and we should wait for such a day is from a correct direction and from a direction to isolate Islam and its goals and isolate it to individual life, but whenever Islam is isolated And if the isolation is removed, like the Islamic Revolution, it will implement its logic and justice, and its followers will be bound to it with faith, belief and struggle, the victory of Islam over all disbelief and atheism will be realized, and the perfect example of that is the time of the appearance Imam Mahdi (Ajl Allah Ta'ala Al-Sharif).

Keyword: Quran; Verse 33 Repentance Surah; conquering Islam; social justice

1. Assistant Professor of the Department of Hadith, Al-Muštafa Al-Alamiya Jamia, Qom. Iran. (Author). mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

2. fourth level student of comparative interpretation, research center for interdisciplinary humanities-Islamic studies, Fatemeh Al-Zahra Institute of Higher Education (S), Isfahan, Iran.



بررسی تطبیقی کیفیت، زمان و شرایط غلبه دین اسلام از منظر مفسران فریقین و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای (با محوریت آیه ۳۳ توبه)

محسن خوشفرا^۱

لیلا ابراهیمی^۲

چکیده

بیان مسأله: وعده فایق آمدن سلسله ارزش‌های دین اسلام در تاریخ بشریت بر شبه ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن صریحاً بیان شده است. عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در سه آیه از جمله آیه ۳۳ سوره توبه تکرار شده است. حال پرسش‌هایی نظیر چگونه اسلام غلبه می‌کند؟ این وعده چه زمانی است؟ چه شرایطی برای چنین غلبه‌ای لازم است؟ مطرح می‌شود. روش: پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش‌ها، درصدد است به بررسی توصیفی-تحلیلی دیدگاه مفسران فریقین با استفاده از کتب تفسیری و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای بپردازد.

نتیجه: در چگونگی غلبه دین اسلام، بین مفسران، اختلاف وجود دارد. بعضی آن را غلبه عینی با جهاد و بعضی غلبه با منطق و دلیل دانسته‌اند. در زمان تحقق این وعده الهی نیز نظرات متعدد وجود دارد؛ از جمله در صدر اسلام یا طبق روایات فروان از فریقین، در زمان ظهور خواهد بود؛ اما امام خامنه‌ای معتقد است این رویکرد که روزی اسلام غلبه خواهد کرد و منتظر چنین روزی باید بود از جهتی صحیح و از جهتی منزوی کردن اسلام و اهداف آن و به عزلت بردن آن به زندگی فردی است، بلکه هر زمانی که اسلام از عزلت و انزوا خارج شود، همچون انقلاب اسلامی و منطق و عدالت خود را عملی کند و نیز پیروان آن با ایمان، اعتقاد و مجاهده ملزم به آن شوند، پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد، تحقق خواهد یافت و مصداق تام آن زمان ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

کلید واژه: قرآن؛ آیه ۳۳ توبه؛ اسلام غلبه‌کننده؛ عدالت اجتماعی.

۱. استاد یار گروه حدیث جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته ای علوم انسانی-اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (س) اصفهان، ایران.

تحقق وعده الهی بر پیروزی دین اسلام بر همه ادیان الهی و غیر الهی، پیروزی بر همه کفر و الحاد و پیروزی ارزش های الهی بر همه مادیگری های کوته بینانه، به طور صریح در سه آیه تکرار شده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند). «(توبه/ ۳۳ و صف/ ۹ و فتح/ ۲۸) همچنین قرآن صریحاً فرجام و عاقبت کار را برای مؤمنان و پرهیزکاران بیان کرده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/ ۸۳)

ذیل این آیات، بین مفسران فریقین، نظرات مختلفی در کیفیت این پیروزی و زمان آن بیان شده است. بعضی این وعده را با توجه به جنگ های متفاوتی که پیامبر اکرم با مشرکین و کفار داشته اند در زمان صدر اسلام و در معیت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) محقق شده می دانند و بعضی دیگر پیروزی همیشگی اسلام از نظر منطق و مضامین را منظور آیه شمرده اند. عده زیادی نیز بر اساس روایات فراوان در منابع فریقین که ادعای تواتر هم شده است، زمان آن را با حضور آخرین حجت الهی و ظهور دانسته اند.

بررسی تاریخی نشان می دهد اسلام در دورانی طولانی در فعالیت های اساسی عالم فقط نامی را به دنبال داشته و حتی حکومت ها و سلطنت های به ظاهر اسلامی، مانند ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بود، به حقیقت آن عمل نمی کردند و اسلام منزوی بود. در قرون اخیر نیز که دوران پیشرفت غرب و اروپا نامیده شده و ارزش های مادی به شکل های مختلف بر دنیا حاکم شده است، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاده؛ حتی سعی می کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ و کشورهای مسلمان را نیز با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی، حتی از صورت اسلام، جدا کنند. اسلام گرایی فقط در حد تشریفاتی و مسلمان زیستن به صورت واقعی ننگ یا محال شمرده می شد.

حال پرسش این گونه مطرح می شود که اسلام چگونه بر همه این تفکرات بی ارزش و پوشالی غلبه می کند؟ آیا اسلام در کنج انزوا و عزلت، می تواند بر تفکرات تحمیلی و ضد ارزش های تحمیل شده بر بشریت فایق آید؟ با وجود این شرایط، وعده «لیظهره علی الدین کلّه»، چگونه می توانست عملی شود؟ آیا بنابر آنچه در اکثر تفاسیر در ذیل این آیه، بیان شده، باید منتظر زمان خاص بود تا به دست ولی خدا و با حکومت واحد جهانی، این غلبه صورت بگیرد یا اینکه می توان با عمل به شرایطی در هر زمان، شیرینی غلبه دین اسلام را چشید؟

اما با ظهور انقلاب اسلامی در قرن اخیر و دیدگاه امامان انقلاب اسلامی، مشخص

شده که لازمه تحقق این وعده الهی این است که باید اسلام در عرصه زندگی بشر، خودش را مطرح می‌کرد؛ و خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان، به نام امام خمینی (رحمة الله علیه) عملی و محقق شد. آن عبد صالح، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیش قراول و مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد. در ادامه نیز عبد صالح دیگری به نام امام خامنه‌ای (مُدظَّلَه)، با تبیین راه و پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی، در مقابل تمام قدرت‌های مادی و پویشالی عالم ایستاده است و ان شاء الله، تحقق کامل و عملی این وعده با دادن پرچم این انقلاب به دستان قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اتفاق خواهد افتاد. همان‌گونه که روایات فراوانی بر این وعده، ذیل این آیات، از مفسران شیعه و سنی آورده شده است.

۲- پیشینه

از آنجاکه روش این پژوهش تفسیر تطبیقی است، تفاسیر فریقین، پیشینه عام این نوشتار است که بیش از ۱۰۰ تفسیر ملاحظه شده است. منبع خاصی که این‌گونه مقایسه انجام دهد، یافت نشد، اما مقالاتی با محوریت آیه ۳۳ توبه مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله:

رضایی کهنویی مقاله‌ای با عنوان «غلبه نهایی اسلام بر ادیان» را در مجله پژوهشی مشرق موعود، به چاپ رسانده است و در این پژوهش، با توجه به آیه شریفه که با تعبیری مشترک از اراده الهی، مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان خبر می‌دهند و با توجه به سیاق آیات، وعده مزبور را به طور ویژه، ناظر بر مغلوبیت نهایی بر دو دین منحرف یهود و مسیحیت می‌داند و بنابر روایات فریقین، تحقق این وعده الهی به دست مبارک امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت مسیح (علیه السلام) خواهد بود.

علوی مهر و شیرفصیحی در مقاله «اندیشه حکومت جهانی در آیات اظهار و غلبه از منظر مفسرین فریقین»، سعی کرده است، حکومت جهانی را با توجه به آیات اظهار و غلبه، به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهد و بیان کرده که دانشمندان فریقین، ضمن اشتراک در اصل حکومت جهانی و در عین پذیرش کبرای مسئله، از حیث صغری، اتفاق نظر ندارند و نتیجه گرفته که با توجه به آیات اظهار و غلبه و روایات تفسیری، افزون بر ضرورت تحقق حکومت جهانی، تحقق پذیری آن به دست منجی عالم، حضرت مهدی (عج) امکان پذیر است. هادی منصوری و گوهری بهاری مقاله‌ای با عنوانی «آموزه‌های مهدوی در تفسیر



تطبیقی آیه ۳۲ توبه با تأکید بر آراء سدی» به چاپ رساندند که در این مقاله، با توجه به روایت سدی، ذیل آیه ۳۳ توبه که از تابعان است و آراء نزدیک به شیعه دارد، سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین کیستی سدی، به تفسیر تطبیقی آیه ۳۳ سوره توبه با محوریت آراء وی بپردازد و از این رهگذر، گامی در همگرایی و تقریب مبانی اعتقادی فریقین در عرصه مهدویت، بردارد.

در تمام این تحقیقات، رویکرد بررسی، فرضیه حکومت واحد جهانی و چگونگی زمان تحقق آن بوده است؛ ولی در این پژوهش با رویکرد جدید، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مفسران و مقایسه آن با اندیشه امام خامنه‌ای و نتیجه‌ای متفاوت انجام شده است.

۳- روش تحقیق

روش این تحقیق، بررسی تحلیلی نظرات اکثر مفسران فریقین، ذیل آیه ۳۳ توبه، در تحقق وعده غلبه نهایی دین اسلام و زمان و شرایط آن است؛ به طوری که نظرات جمع بندی و مطرح گردیده است. در نهایت مقایسه با تفکرات و اندیشه‌های اندیشمند معاصر، آیت الله خامنه‌ای صورت گرفته است. همچنین شرایط تحقق این وعده از منظر امام خامنه‌ای، بررسی شده است؛ موضوعی که اکثر مفسران به آن پرداخته‌اند.

۴- مفهوم شناسی

اظهار: ریشه واژه «اظهار»، «ظَهَرَ» است که به سه معنا در متون لغوی آمده است.

۱- آشکار ساختن ۲- کمک و یاری رساندن ۳- غلبه و چیره ساختن.

اظهار در عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» که با حرف جر «علی» استعمال شده است، به دو معنا در آیات الهی به کار رفته است: ۱- «ظَاهِرَ عَلَيْهِ» «أَعَانَ» به معنای کمک کردن و یاری رساندن ۲- «غَالِبٌ عَلَيْهِ» به معنای غلبه و برتری یافتن. (ابن منظور، ۶۳۰: ۵۲۰/۴ و الطریحی، بی تا: ۳۸۷/۳)

استعمال این ماده در آیات قرآن، بیشتر در غلبه و به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است. چنان که در داستان «اصحاب کهف» آمده است: «إِنَّمِائُنْ يَظْهَرُونَ عَلَيْكُمْ لِيَنْجُوكُمْ» (اگر آنها بر شما غالب شوند سنگسارتان می‌کنند). (کهف/ ۲) (ابن منظور، ۶۳۰: ۵۲۶/۴) و درباره مشرکان نیز در آیه‌ای دیگر آمده: «كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وِلَادَةَ أُمَمَةٍ». (هرگاه آنها بر شما چیره شوند، نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را). (توبه/ ۸)

اظهار در این تحقیق نیز به معنای غلبه کردن و پیروزی است. دراینکه این غلبه

کردن چگونه است؛ آیا با استدلال و منطق یا قدرت جسمانی است، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد و هرکدام دلایلی برای نظر خود بیان نموده‌اند.

۵- غلبه دین و کیفیت آن از دیدگاه مفسران فریقین و امام خاмене‌ای

با بررسی تفاسیر فریقین در مورد وعده الهی، یعنی غلبه دین اسلام بر تمام دین‌ها، نظرات مختلف ذیل آیه ۳۳ توبه و آیات مشابه آن بیان شده که در این پژوهش به صورت دسته‌بندی ارائه می‌شود:

۱-۵- غلبه مطلق

کلمه «اظهار» وقتی در مورد چیزی بر ضد چیز دیگر استعمال می‌شود، معنای غلبه را می‌دهد. بنابراین در آیه ۳۳، این‌گونه معنا می‌دهد که «اسلام را بر سایر ادیان غلبه داد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳۱/۱۹) نکته دیگر آن است که با توجه به مطلق بودن لفظ «اظهار» در ظاهر آیه، غلبه از همه جهات فرض می‌شود؛ چه از نظر غلبه با «دلیل و حجت» چه از جهت غلبه «ظاهری و مادی». به این معنا که روزی می‌آید که اسلام در آن روز، پیروز منطقی و ظاهری خواهد بود و حکومت و نفوذ مطلق جهانی خواهد داشت؛ به طوری که بر همه ادیان غلبه خواهد کرد. (کریمی حویزی، ۱۴۰۲: ۸۱/۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۷)

۲-۵- غلبه مقید با حجت، دلیل و مضامین عالی

منظور از غلبه و پیروزی، غلبه استدلالی و منطقی است و این موضوع، هم‌اکنون نیز حاصل شده است؛ زیرا اسلام از نظر منطق و دلایل متقن با هیچ دینی قابل مقایسه نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸/۵) و دلیل دیگر اینکه تأثیر روحی، عقلی، اجتماعی و سیاسی و محتوا و مضامین عالی اسلام کاملاً مشهود است و به همین علت، بر سایر دین‌ها برتری دارد. (مراغی، بی تا: ۱۰/۱۰ و طنطاوی، بی تا: ۲۶۴/۶)

از طرفی، اساس کار انبیاء، ظهور علمی است و اینکه با برهان و حجت، حقانیت اسلام را روشن می‌کنند؛ بنابراین درجه اول مبارزه برهان است. سپس اگر کسی از آن به بعد، بخواند: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» (۳۲/ توبه) با هر وسیله‌ای باشد، دفاع، بر مسلمین واجب است؛ بنابراین پیروزی علمی منظور آیه است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰) البته بعضی این قول را ضعیف شمرده‌اند؛ به این دلیل که ذات دین این‌گونه است و خداوند دینش را از همان ابتدا با حجت و برهان تقویت کرده است و اگر ضعفی هم مشاهده می‌شود، به دلیل عملکرد خود مسلمانان است؛ بنابراین در این آیه، غلبه به واسطه قدرت و جهاد است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۱۶)



۵-۳- غلبه مقید و با ادله و براهین روشن مذهب خاص

مراد از «اظهار» در آیه ۳۳ یا به ادله روشن و براهین و دلایل آشکار است که عقاید شیعه در بردارنده چنین دلایل محکمی است که مثل آفتاب روشن است یا اگر مراد از بین رفتن مذاهب فاسد و عقائد باطل باشد، به دست ید الهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر خواهد شد. (طیب، ۱۳۷۸: ۶/۲۱۱) بنابراین منظور غلبه مقید به واسطه مذهب شیعه است. به نظر می‌رسد در این احتمال و تمام احتمالاتی که غلبه را مقید می‌دانند، برداشت یک نوع «اظهار»، بدون قرینه و مقید کردن آن، است. چه قرینه‌ای وجود دارد که این نوع غلبه فهمیده شود و از ظهور آیه در معنای مطلق، دست برداشت؟ در صورتی که چنین دلیل قانع کننده‌ای وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت، غلبه به معنای مطلق در آیه ظهور دارد.

۵-۴- غلبه مقید به واسطه قدرت ظاهری و عینی در منطقه خاص

معنای آیه این است که خداوند، دین اسلام را با حکومت و تسلط و به اطاعت آوردن همه ادیان برتری دهد و این امر در صدر اسلام اتفاق افتاد؛ به این دلیل که مسلمانان به همه مذاهب حمله کردند و آنها را از بین بردند یا اسیر کردند یا تحت سلطه خود جزیه گرفتند. و این آیه، خود، دلیل صدق نبوت و معجزه او است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۳۴ و طوسی، ۱۴۰۹: ۵/۲۰۹) با توجه به سیاق و آیات پیش از این آیه، دلیل دیگر آن است که خداوند تعالی، مسلمانان را تحریض بر قتال با اهل کتاب کرده و وجوب و ضرورت آن را مشخص نموده است؛ بنابراین خواسته است، دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد و چنین امری به سعی و مجاهده نیازمند است و چون اهل کتاب، سد راه پیشرفت اسلام شده و می‌خواستند این نور را با دهان شان خاموش کنند، لذا هیچ چاره‌ای جز قتال با آنان نبود؛ بنابراین یا باید از بین بروند یا زیر دست حکومت مسلمین باشند و جزیه دهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۲۴۷)

مؤید دیگر معنای لغوی آن است و با توجه به ریشه و ماده «اظهار» که غالباً در قدرت ظاهری و غلبه مادی در آیات دیگر، مانند آیه ۲۰ سوره کهف نیز استعمال شده است، غلبه منطقی منظور نیست، بلکه غلبه عینی و فعلی است و این که ظهور شیء بر غیرش به واسطه سه امر محقق است ۱- یا به حجت و دلیل ۲- یا به کثرت و وفور ۳- یا به غلبه و استیلاء و بنا بر اینکه در آیه ۳۳، بشارت الهی به ظهور دین اسلام آمده است و بشارت به چیزی که امر آن حاصل نباشد و در آینده به دست آید، صحیح نیست و از طرفی، ظهور دین اسلام به حجت و برهان، معلوم است؛ بنابراین اظهار به معنای غلبه عینی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۳۳)

۵-۵- غلبه عینی فراگیر و جهانی

منظور از **يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**، در آیه ۳۳، پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تشکیل حکومت واحد است که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. در تفاسیر بسیاری، هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و خروج حضرت عیسی (علیه السلام) براساس روایات، به این موضوع اشاره شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۸۲/۱۰ و رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۱۲۰/۴؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱۶۴۵/۳) حتی در تفاسیر اهل سنت بر وجود حضرت مهدی (علیه السلام) که از خاندان حضرت رسول است، ادعای تواتر شده است و روایات خروج حضرت، صحیح دانسته شده است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸/۱۲۲)

دلایلی که این نظریه را تأیید می‌کند نخست آنکه غلبه و پیروزی که از کلمه «ظهور» در سایر آیات استفاده می‌شود، ظاهر در غلبه حسی و عینی و خارجی است نه غلبه ذهنی و فکری. دوم، ذکر کلمه «کله» برای تأکید، روشن می‌کند که غلبه جنبه منطقه‌ای و محدود ندارد، بلکه شامل عموم ادیان و مذاهب جهان می‌شود و این جز از طریق فراگیری و شمول اسلام نسبت به جهان، ممکن نیست. سوم، روایاتی که در ذیل این آیه در اکثریت تفاسیر فریقین آمده است، از جمله از امام باقر (علیه السلام) آمده است: **أَنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)**، (این پیروزی به هنگام قیام مهدی (عج) از آل محمد (صلى الله عليه وآله) خواهد بود، آن چنان که هیچ‌کس در جهان باقی نمی‌ماند؛ مگر اینکه اقرار به محمد (صلى الله عليه وآله) خواهد کرد). (عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۷/۲)

این روایات در تفاسیر اهل سنت نیز فراوان آمده است: **عَنِ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: "يَقُولُ لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ"**، (مقداد بن اسود چنین می‌گوید: «بر سراسر روی زمین خانه‌ای از خشت و گل و خیمه‌ای (در بیابان باقی نمی‌ماند)؛ مگر اینکه آئین اسلام در آن ورود خواهد کرد»). (بغوی، ۱۴۲۰: ۳۴۱/۲)

۵-۶- غلبه به معنای بی‌ثمر بودن تلاش در مقابل نشر دین اسلام و غلبه بر

مصادیق غیرحقیقی (بدون از بین رفتن ادیان)

دعوت جهانی اسلام بنا بر آیات و دلایل روشن است و برحسب نظام آزمایش، پیوسته در حال مبارزه با اهل عناد و کافران خواهد بود و لیکن تلاش و مبارزه آن‌ها مانع از انتشار دین اسلام نمی‌شود و غلبه نهایی با اسلام خواهد بود؛ برای همین، در پایان آیه، خداوند به کراهت مشرکان تعبیر کرده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴:



۵۲۳/۷) مؤید این نظر این است که غلبه دین اسلام در کل عالم، حاصل شده است و مردم جهان از دین استقبال نموده‌اند؛ هرچند حاکمان و بزرگان شان از این امر کراهت داشته‌اند و در مقابل توسعه دین به هر ترفندی چنگ زده‌اند و اما دین غلبه و رشد یافته و بر دین‌های دیگر برتری پیدا کرده است. بنابراین لازمه غلبه دین، این نیست که دین‌های دیگر منقرض شود. (ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۰)

۷-۵- غلبه منطقی با اجرای عملی دین و عدالت اجتماعی

در واقع، آیه ۳۳ بیان‌کننده راه مقابله و شکست توطئه‌های دشمنان است و آن در صورتی است که اسلام با منطق و استدلال و اجرای عدالت اجتماعی در تمام شئون زندگی بشریت، نقش داشته باشد. اما اسلامی که فقط مربوط به زندگی فردی می‌شود و به عبادت و اجرای دستورات الهی در عزلت می‌پردازد، قدرت چنین غلبه‌ای را ندارد. امام خامنه‌ای به این نظریه معتقد است و در بیانی می‌فرماید: «اینکه دشمنان انواع مکرها و توطئه‌ها را برای از بین بردن اسلام و خاموش کردن نور الهی دارند، راه مقابله منطق و استدلال و اجرای عدالت اجتماعی به صورت عملی است. اسلام در سایه عوامل درونی خود (که عرض کردیم منطق و استدلال از یک سو و عدالت اجتماعی از سوی دیگر است)، بر دنیا سیطره خواهد یافت. نه از راه توطئه‌گری، نه از راه شمشیر و نه از راه کارهایی که دشمنان خدا در جاهای دیگر همیشه کرده‌اند و دشمنان جمهوری اسلامی همین حالا هم می‌کنند، بلکه از راه منطق و از راه اجرای عدالت. آیه قبلی هم این است که «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (توبه/۳۲)؛ هرچه می‌خواهند، تهدید کنند. اینکه خدای متعال، کید دشمن را در مقابل اسلام ضعیف می‌شمارد، فقط کید کفار قریش در روزگار پیامبر نیست؛ این یعنی همه توطئه دشمن، یکجا، علیه جمهوری اسلامی؛ یعنی محاصره اقتصادی؛ یعنی توطئه تبلیغاتی گسترده در همه جا؛ یعنی فشارهای سیاسی؛ یعنی شب و روز نشستن صهیونیست‌های وسوسه‌گر با دیگر قدرت‌های ضد جمهوری اسلامی و علیه جمهوری اسلامی، شب و روز تلاش کردن؛ همه اینها را شامل می‌شود و قرآن می‌گوید که در مقابل پابندی این ملت به اسلام و راه خدا؛ در مقابل وحدت و همبستگی این ملت؛ در مقابل عشقی که این ملت را از روز اول به راه خدا و قرآن به حرکت واداشته است؛ در مقابل استقامت و صبر و حکمت و هوشیاری این ملت، همه این قدرتها، همه این توطئه‌ها، همه این خدعه‌گری‌ها و همدستی‌ها و همه این دشمنی‌ها، یکجا، محکوم به شکست است. مردم در دنیا به شدت تشنه عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می‌زنند، بی‌عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، با اینکه سال‌های متمادی می‌گذرد که رسماً برابری



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده‌اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسئله نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها (از جمله در امریکا) اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه‌داری آنها معارضة‌ای دارد، بی‌رحمانه می‌کوبندش! مردم، امروز تشنه عدالتند. وقتی در نظام جمهوری اسلامی عدالت باشد، از همه جای دنیا مردم گردن خواهند کشید؛ چشم به این حقیقت درخشان خواهند دوخت، آن را تحسین خواهند کرد و به آن جذب خواهند شد. آن وقت آیه شریفه ۳۳ معنا خواهد شد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ».

ایشان در ادامه، غلبه با جنگ، زور و اجبار را باطل می‌دانند و این روش را روش زورگویان برمی‌شمارند؛ و روش دین خدا را روشی براساس مسلط شدن بر جان و دل انسان و پذیرش با رغبت بیان کرده و می‌فرمایند: «سؤالی در این آیه مطرح است که دین خدا چگونه بر روی زمین مسلط خواهد شد؟ آیا دین خدا با زور و با قدرت سیاسی و نظامی در سطح عالم، گسترش پیدا خواهد کرد؟ یقیناً نمی‌تواند این‌طور باشد؛ هنر این نیست که دین و عقیده‌ای را کسانی که صاحب آن عقیده‌اند و شمشیر در دستشان است و قدرت دارند، بر روی کشورها و نقاط متصرف خود، اشاعه و گسترش دهند و مردم را مجبور کنند که بر طبق این عقیده رفتار نمایند؛ دین باطل هم می‌تواند همین خصوصیات را پیدا کند. یعنی یک نفر عقیده غلطی را با شمشیر بر زندگی بشر مسلط کند؛ مثل اینکه تفکر مارکسیستی و روش زندگی کمونیستی، در چند سالی از سال‌های قرن حاضر، به زور بر کشورها و ملت‌هایی مسلط شد و مردم به شیوه کمونیستی زندگی می‌کردند. دین خدا این‌طور نمی‌خواهد که بر روی زمین، بر کشورها و ملت‌ها و ادیان دیگر غلبه پیدا کند. دین خدا بر دل‌ها مسلط می‌شود و با شمشیر و زور نمی‌شود بر دل مسلط شد. دل باید بفهمد، بپذیرد و از روی طوع و رغبت، زیر بار روش و عقیده و ایمانی برود. این‌طور که شد، آن وقت از منافع آن ایمان و عقیده دینی، بهره‌مند خواهد شد. با زور و شمشیر نمی‌شود؛ نه، اسلام چنین چیزی را نخواست است... اسلام، دو وسیله دیگر دارد که با کمک این دو وسیله می‌تواند بر همه ادیان عالم پیروز شود؛ همه دل‌ها را جذب کند و همه منطبق‌های پوشالی مقابل خود را شکست دهد. آن دو وسیله چیست؟ یکی عبارت است از منطق قوی و استدلال محکم و دلایل متقن که اسلام از آن برخوردار است؛ دیگری، عبارت از عدالت به معنای حقیقی کلمه و به صورت مطلق است. این دو ابزار برای پیشرفت اسلام است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶)



۶- زمان غلبه از نظر مفسران فریقین و امام خامنه‌ای

در مورد اینکه زمان این غلبه چه زمانی است و آیا این غلبه اتفاق افتاده است یا در آینده و در زمان خاص اتفاق می‌افتد یا منطبق بر هر زمانی باشد، نظرات مختلفی بیان شده است:

۶-۱- زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صدر اسلام

با عنایت به سیاق آیه مبنی بر صدق نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ابطال همه ادیان با ظهور دین برحق ایشان، وعده ظهور اسلام در آیه ۳۳، زمان پیامبر را نیز شامل می‌شود؛ اگرچه مفاد آیه در همه جهان نمودار نشده است، اما دین اسلام در زمان خودش، بر همه ادیان مخالف خود غلبه کرده است، ولی نه در همه جا؛ چنان که یهود را از عربستان اخراج کرد، مسیحی‌های شام و مجاور آن را مغلوب و نابود ساخت، مجوس را در سرزمین خودش مغلوب کرد و نیز بت پرستان ترک و هند را به دین اسلام متدین کرد. پس مفاد آیه ظاهر شده است و بر همه ادیان مسلط شده است. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۱۶ و طوسی، بی تا: ۲۰۹/۵)

۶-۲- تحقق تدریجی و تکمیل آن در زمان حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه

الشریف)

طبق آیه ۳۳، وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آئین در کشورهای مختلف اروپایی و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند این‌ها، همگی، نشان می‌دهد که اسلام روبه سوی عالم‌گیر شدن پیش می‌رود، ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که «مهدی (علیه السلام)» ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. (سیدبن قطب، ۱۴۱: ۳۵۵۸/۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۳/۷)

امام خامنه‌ای در بیاناتی باتوجه به اینکه نور بعثت، به تدریج، تمام عالم را فرا می‌گیرد و انسان‌ها هر روز بیش از گذشته به سمت ارزش‌ها می‌روند تا زمانی که کل عالم را در زمان ظهور فراگیرد. معنای غلبه در این آیه را به معنای تحقق تدریجی آن و تکمیل در زمان حضرت حجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌دانند. در این باره می‌فرمایند: «درست است که هدایت پیغمبر در طول قرن‌های متمادی هنوز همه بشریت را فرا نگرفته است؛ اما این چراغ فروزان، این شعله روزافزون در میان بشریت هست و به تدریج در طول سال‌ها و قرن‌ها، انسان‌ها را به سمت این چشمه نور هدایت می‌کند. و در تاریخ، بعد از بعثت پیغمبر و ولادت آن بزرگوار که نگاه کنید، همین تدبیر را ملاحظه

می‌کنید؛ انسانیت به سمتِ ارزش‌ها حرکت کرده است، ارزش‌ها را شناخته است، دین، به تدریج، گسترش پیدا خواهد کرد و شدت آن روز به روز بیشتر خواهد شد؛ تا اینکه **إِنْ شَاءَ اللَّهُ، يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**، همهٔ عالم را فرا بگیرد و بشریت در جادهٔ هدایت و صراط مستقیم الهی حرکت حقیقی خودش را آغاز کند که در واقع، شروع زندگی بشر از آن روز است. آن روزی که حجت خدا بر مردم تمام خواهد شد و بشریت در این شاهراه بزرگ قرار خواهد گرفت.» (خاتمه‌ای، ۱۳۸۷)

۶-۳- زمان حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسیاری معتقدند، باتوجه به محتوای آیه که مراد غلبهٔ اسلام و توحید بر تمام عالم و عالمیان است، و لکن تأویل آیهٔ شریفه هنوز محقق نگردیده و چون وعدهٔ الهی تخلف پذیر نیست و مسلماً این وعدهٔ منجز وقوع خواهد یافت؛ زمان آن هنگام ظهور قطب دایرهٔ امکان، حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ چنانچه روایات فراوانی از مفسران فریقین در ذیل این آیه، نقل شده است. (فخرالدین رازی ۱۴۲۰: ۳۳/۳۳۱۶ و طوسی، بی تا: ۲۱۰/۵ و فیض کاشانی ۱۴۱۵: ۳۳۷/۲)

۶-۴- منطبق بر همهٔ زمان‌ها با تحقق شرایط آن

آیهٔ ۳۳ بیان‌کنندهٔ اراده و سنت الهی است که به عصر و طایفهٔ خاصی تعلق ندارد و این سنت، به قاعدهٔ تکامل و هدفداری خلق در هر زمان، مثل خورشید می‌درخشد و آنچه در مقابل دین بایستد، دین اسلام بر آن غلبه خواهد کرد. (مترجمان، ۱۳۷۷: ۱۵/۳۸۹)

امام خاتمه‌ای نیز باتوجه به مضمون این آیه در مورد دین اسلام و باتوجه به سنت همیشگی مبارزهٔ حق و باطل در هر زمان، این آیه را منطبق بر همهٔ زمان‌ها و با رعایت شرایط آن غلبه‌کنندهٔ نهایی معرفی می‌نماید. در بیانی می‌فرماید: «در این مصافی که وجود دارد، این مصاف حق و باطل، مصاف توحید و طاغوت (که ناگزیر چنین مصافی وجود دارد) آن که خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبههٔ حق است؛ یعنی شما، ملت ایران، اگر همان طور که تا حالا حرکت کرده‌اید، حرکت را ادامه بدهید، قطعاً بر دشمنانتان پیروز خواهید شد؛ یعنی بر آمریکا پیروز [خواهید شد].» (خاتمه‌ای، ۱۳۹۸)

در بیانی دیگر، باتوجه به صادق بودن خداوند در وعده‌ها، طبق آیات سورهٔ قصص و برگرداندن حضرت موسی به مادرش و در شرایط کنونی، زنده بودن دین اسلام و حرکت انقلابی جوانان منطقهٔ خاورمیانه، می‌فرماید: «امروز آمریکا



در منطقه غربی آسیا (یعنی همین منطقه شمال آفریقا و منطقه ای که اسم آن را "خاورمیانه" گذاشتند)، منزوی است. امروز اسلام در این منطقه زنده است. امروز جوانان با شعار اسلامی وارد میدان می شوند. یک روزی در سی سال پیش، چهل سال پیش، در همین کشورهای شمال آفریقا، اگر کسی می خواست از انگیزه های ملی و انقلابی حرفی بزند، به شعارهای چپ متوسل می شد؛ امروز این حرف ها دور افتاده است؛ این حرف ها به زباله دان تحویل داده شده است. امروز در این منطقه، حرف رائج، سکه رائج، سخن قاطع، اسلام است و قرآن. این کم دستاوردی است؟ این همان چیزی است که وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی به نام اسلام و قرآن در این منطقه پرچم برافراشت، آنها به خودشان لرزیدند. گفتند ممکن است چنین چیزی پیش بیاید؛ لذا تلاش کردند که نگذارند؛ اما علی رغم آنها، امروز پیش آمده. جوان امروز ما دارد این را در مقابل خودش می بیند. وقتی مادر حضرت موسی، موسی را به آب می انداخت، خداوند متعال دو وعده به او داد. فرمود: "إِنَّا رَأَوُوهُ إِیْکَ وَوَجَعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِینَ" (او را به تو برمی گردانیم و او را پیامبر مرسل خودمان قرار می دهیم) (قصص/ ۷) به فاصله کوتاهی بچه به مادر برگشت. خداوند می فرماید: "فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ کَی تَقْرَءَ عَلَیْهَا وَلَا تَحْزَنَ لِنِعْمَ أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا"؛ (قصص، ۱۳) بچه را به مادر برگردانیم تا مادر یقین کند که وعده ما وعده درستی است. ما دو وعده داده بودیم؛ این اولی اش. پس ای مادر موسی! بدان که وعده دومی هم حق است؛ او پیغمبر مرسلی است که خواهد آمد و بساط فرعون را به هم خواهد ریخت. خدای متعال بخشی از وعده را نقد در اختیار مادر موسی گذاشت تا به آن وعده نسیه یقین کند. بخشی که خدای متعال به صورت نقد در اختیار ملت ایران قرار داده، خیلی بیشتر از این هاست. چه کسی تصور می کرد جوانان فلسطینی جرأت کنند به نام اسلام متشکل شوند؛ به نام اسلام شعار بدهند؛ به نام اسلام به نیروهای غاصبِ ظالم بی رحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته گذشته در «یوم النکبة»، جوان ها مرزهای اسرائیل را برای اول بار، بعد از گذشت شصت سال، شکستند. این ها همان «لَتَعْلَمَنَّ أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا» است. این دارد نشان می دهد که بدانید وعده الهی که فرمود: «يُظْهِرُ عَلَی الدِّینِ کَلِمَةً» خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه فرآورده های فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد، درست است. خدا دارد این وعده های نقد را تحقق می بخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدم مان را سست نکنیم، حواس مان جای دیگری نرود.» (خامنه ای، ۱۳۹۰)

باتوجه به آنچه تاکنون از دیدگاه‌های مختلف از مفسران بیان شد، نگارنده معتقد است، دیدگاه امام خامنه‌ای دیدگاهی ممتاز و جامع نسبت به دیگر دیدگاه‌ها است؛ چراکه ایشان در صدد منطبق کردن آیه بر کیفیت و زمان خاصی نیست، بلکه آیه را نوعی سنت قطعی از طرف خداوند و منطبق بر همهٔ زمان‌ها می‌داند که در مصاف همیشگی حق و باطل، زمانی که پیروان دین اسلام با حرکت و مجاهدت، معتقد به اجرای عملی دین اسلام و اجرای عدالت اجتماعی و پاسخ صحیح به نیاز واقعی بشر باشند، تحقق آن عملی و پیروز میدان خواهند بود. که نمونهٔ بارز آن انقلاب اسلامی ایران و اثرگذاری آن بر کلّ جهان است؛ هرچند تحقق کامل و جامع آن در زمان ظهور بقیة الله الاعظم (روحی و ارواح العالمین فداه) خواهد بود.

۷-۱- شرایط تحقق غلبهٔ دین از منظر امام خامنه‌ای

با بررسی که در تفاسیر متعدد انجام گرفت، اکثر مفسران به شرایط و ویژگی‌های تحقق این وعدهٔ الهی هیچ اشاره‌ای ننموده‌اند، ولی امام خامنه‌ای معتقد است، هرزمانی عمل به شرایطی شود و پیروان دین اسلام معتقد و ثابت قدم در راه اجرای دین و عمل به آن باشند، تحقق این وعدهٔ الهی حتمی است؛ از جمله شرایط:

۷-۱- حکومت و نظام‌سازی

طبق شواهد دینی و تاریخی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اقدام به تأسیس حکومت و نظام اسلامی نمود و اهداف خود را از این طریق، توانست پیش ببرد و در برهه‌ای از زمان توانست بر تمام دین‌های غیرالهی و دین‌های الهی منحرف غلبه کند و آن‌ها را تحت سیطرهٔ اسلام درآورد؛ بنابراین یکی از شرایط جهت قلع و قمع کردن و پیروزی بر کافران و مستکبران، تشکیل «دولت» و «نظام‌سازی و قدرت» است.

آیه الله خامنه‌ای در این موضوع می‌فرماید: «اسلام، بلاشک، قلع و قمع‌کنندهٔ ظلم و استکبار است؛ "يُظهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ". (توبه/ ۳۳) یقیناً اسلام می‌تواند کفر را، جبههٔ مقابل را شکست بدهد؛ اما کدام اسلام قادر به این کار است؟ آن اسلامی می‌تواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدی او جلوگیری کند که نظام داشته باشد؛ دولت داشته باشد؛ نیروی نظامی داشته باشد؛ رسانه داشته باشد؛ سیاست داشته باشد؛ اقتصاد داشته باشد؛ ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام‌سازی کند و حکومت‌سازی کند، این اسلام می‌تواند مقاومت کند؛ وِإِلَّا يَكُ شَخْصٌ، ولو مسلمان برجسته‌ای باشد یا جریان اسلامی مثل جریان‌هایی که در دنیا هستند، اگر به -سمت هدف



حکومت پیش نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند؛ چون هیچ کاری از دست آنها به این صورت، بر نمی آید؛ نمی توانند قلع و قمع کنند کفر و ظلم و استکبار را. شما این اسلامی را که قادر بر مقابله است، قادر بر مقاومت است، قادر بر سینه سپر کردن در مقابل جبهه کفر است، این اسلام را به دست آورده اید؛ با زحمت هم به دست آورده اید، اما چه طوری می خواهید حفظش کنید؟ در مقابل دشمن، این را باید نگه داشت؛ این را باید حفظ کرد؛ این چیزی نیست که [اگر] رهاش کنیم، خودش بماند؛ دشمن حمله می کند.» (خامنه ای، ۱۳۹۵)

۷-۲- مجاهدت و تلاش فی سبیل الله

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و پیروان ایشان برای رسیدن به اهداف عالی و فراگیر شدن دین اسلام، تلاش و جهاد شبانه روزی کردند. مسلمان و پیروان این دین حق نیز باید با الگوگیری به مجاهده و مقاومت در مقابل دشمنان بپردازند و به این وعده الهی اعتماد کامل داشته باشند.

علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) ذیل این آیه می نویسد: «خداوند در این آیه و آیه قبل از آن، مؤمنین را تحریض بر قتال با اهل کتاب کرده و وجوب آن بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه اراده او این است که دین اسلام در عالم بشریت، انتشار یابد و معلوم است که چنین امری به سعی و مجاهده نیازمند است؛ لذا مسلمانان باید بدانند که هر فتنه ای به پا شود (به مشیت خدا)، به نفع ایشان و به ضرر دشمنان ایشان تمام خواهد شد و با این حال، دیگر سزاوار نیست که سستی و نگرانی به خود راه داده و در امر قتال کوتاه بیایند؛ زیرا باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند، خدا خواسته دست بالا قرار گیرند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۳۲۹)

امام خامنه ای نیز در بیاناتی، شرط این پیروزی را مجاهدت و تلاش می داند و می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.» (توبه/۳۳) خدای متعال این طور مقدر فرموده، [اما] من و شما می توانیم این نتیجه را عوض کنیم؛ چه طوری؟ کوتاهی نکنیم، همراهی نکنیم، در حرکتی که انجام می دهیم صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل الله نکنیم. بله، اگر این کارها را نکنیم، این جبهه که به اصطلاح جبهه حق است، پیروز نخواهد شد؛ اما ملت ایران نشان دادند که این طوری نیستند؛ و هر چه می گذرد، این معنا واضح تر می شود. جوان های امروز ما از ماها که یک دوره ای دوره جوانی مان را در خدمت این مبارزه و مانند اینها گذراندیم، انگیزه شان بیشتر، معرفتشان بیشتر، آمادگی شان بیشتر است.» (خامنه ای، ۱۳۹۸)

۷-۳- اتحاد و وحدت

اتحاد یکی از دستورات الهی در قرآن و از اهداف مهم برنامه‌های بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است. همان‌گونه که حضرت در صدر اسلام برای همدل کردن مسلمانان و پرهیز از اختلاف و دشمنی، تلاش وافر نموده‌اند، در زمان کنونی نیز با شرط اتحاد، خصوصاً بین مذاهب مسلمانان، غلبه و پیروزی بر همه توطئه‌های دشمن اتفاق خواهد افتاد. ولی متأسفانه این امر، تاکنون، اتفاق نیفتاده و یکی از علل اصلی عقب ماندگی کشورهای مسلمان، مکر و حیلۀ دشمنان در به هم زدن اتحاد و یک دستی آن‌ها است.

امام خامنه‌ای در فرمایشی می‌فرماید: «درسی که ما از قرآن گرفته‌ایم، درسی که ما از اسلام گرفته‌ایم، درس ایستادگی و مجاهدت و وحدت و اتحاد است؛ اتحاد دل‌ها و دست‌ها با یکدیگر؛ مخصوص ملت ما هم نیست؛ اتحاد در دنیای اسلام. امروز شما ببینید، یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه می‌کنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی. آدم‌هایی که نه به شیعه عقیده دارند نه به سنی عقیده دارند نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل می‌آیند پشت بلندگوها می‌ایستند، از توسعه تشیع اظهار نگرانی می‌کنند! شما چه می‌فهمید تشیع چیست؟! چه می‌فهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویس‌های جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دل‌ها را به هم نزدیک کردن، دست‌ها را در هم گره کردن است؛ و این‌طور است که به فضل پروردگار، «يُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً» (توبه/۳۳) پیش خواهد آمد؛ و خدای متعال به فضل خود، به لطف خود، اهداف و دستورات و برنامه‌های این بعثت را بر همه توطئه‌های دشمن، پیروز خواهد کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

۷-۴- عشق و ایمان به هدف

رسیدن به هر پیشرفت و به دست آوردن هر نوع استقلال واقعی، از جمله استقلال سیاسی، عشق به هدف و ایمان به خواسته‌ها را می‌طلبد که با پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سیره او در دفاع از حقیقت و نور الهی، این غلبه و پیروزی به دست خواهد آمد؛ همان‌گونه که وعده الهی است.

امام خامنه‌ای در بیانی می‌فرماید: «همه پیشرفت‌های علمی دنیا نیز این‌گونه پیش آمده است که کسانی از روی عشق یا ایمان و یا هردو، کار کرده‌اند. یا باید عشق به کار باشد یا ایمان به ثواب الهی یا هردو با هم. و شما می‌توانید هردو را



با هم، داشته باشید. این‌گونه می‌شود که ملت ایران می‌تواند آن استقلال حقیقی و واقعی را که استقلال سیاسی مقدمه آن است و آن نیز به یک معنا پشتوانه و پشتیبان و نگهدارنده استقلال سیاسی است، تأمین کند. دشمن، دشمنی می‌کند و از او جز دشمنی هم انتظاری نیست. تبلیغاتی که رادیوهای دشمن می‌کنند و مطالبی که مطبوعات صهیونیستی جهانی می‌نویسند، ما کمترش را از آنها توقع نداریم. دشمن است دیگر! دشمن، بدجنسی می‌کند، خباثت می‌کند، تهمت می‌زند و دروغ می‌گوید. ادعا می‌کند که طرفدار انسانیت است؛ اما به دروغ. از او توقع بیش از این نیست. چیزی که برای ما لازم است، این است که خود ما در نقطه تحقق آرمان‌های اسلامی، قرار گیریم. آن کار و آن تعلیم، با آن نیت، با آن احساس و آن غیرت، انجام گیرد تا در آینده نزدیک، ان‌شاءالله، کشور در موضعی قرار گیرد که "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ"، (توبه/۳۳) (خامنه‌ای، ۱۳۷۳)

۷-۵- آمادگی مادی و معنوی

یکی دیگر از شرایط، باتوجه به توطئه همه‌جانبه دشمنان اسلام و چشم امید همه مستضعفان عالم به این مکتب، آمادگی همه‌جانبه مادی و معنوی پیروان آن برای پیروزی و غلبه بر ادیان و مذاهب باطل است. همان‌گونه که امام خامنه‌ای در بیاناتی می‌فرماید: «همه متوجه شما هستند؛ هم قدرت‌های چپاولگر عالم و جهان‌خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفه به سود کدام طرف سنگین‌تر خواهد شد. امروز ملت فلسطین، چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امید از سوی شما هست. این همان سکویی است که باید ملت مسلمان ایران و به دنبال آن، دیگر ملت‌ها به سوی "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ" پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوت اراده، توکل به خدا، آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)

در فرمایشی دیگر، برای رسیدن به هدف نهایی و عالم‌گیر شدن دین مقدس اسلام، برای جمع روحانیون می‌فرماید: «ما که هنوز به اهداف خودمان نرسیده‌ایم؛ ما که هنوز با آن صحنه عظیمی که از گسترش تفکر اسلامی پدید می‌آید و خدای متعال در آیات قرآنی، آن را ترسیم کرده است (که لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون)، خیلی فاصله داریم. راه، همین راه است؛ راه جهاد، راه تلاش، راه علم و عمل، راه اخلاص، راه صفا، راه ذکر و توجه به خدا، راه توسل به اهل بیت، راه زنده نگهداشتن یادگارها و ارزش‌های اسلامی؛ نه فقط در دل و ذهن، بلکه حتی در عمل؛ اینهاست که ما را به نتایج خواهد رساند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

۶-۷- حرکت هدف‌دار، پیوسته و سنجیده

حرکت هدف‌دار، پیوسته، سنجیده و همراه با ایمان و اخلاص، به پیروی از رسول اکرم (صلوات الله علیه)، سیره و روش امام خمینی (رحمة الله علیه) و یکی از عوامل مهم موفقیت ایشان برای احیای دوباره اسلام بود و به طور قطع، شرط ادامه راه ایشان عمل و حرکت تا رسیدن به قلّه نهایی حرکت و عالم‌گیر شدن دین مقدس اسلام است.

در این موضوع امام خامنه‌ای می‌فرماید: «امام ما برای حیات دوباره اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی الله علیه و آله) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدف‌دار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. در انقلاب، به گفتن و نوشتن و تبیین اکتفا نمی‌شود؛ بلکه پیمودن و سنگر به سنگر پیش رفتن و خود را به هدف رساندن، اصل و محور قرار می‌گیرد. گفتن و نوشتن هم در خدمت همین حرکت درمی‌آید و تا رسیدن به هدف- (یعنی حاکمیت بخشیدن به دین خدا و متلاشی ساختن قدرت شیطان‌ی طاغوت)، ادامه می‌یابد: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ". (توبه/۳۳).» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹)

۸- نتیجه

دیدگاه‌های متفاوتی در تفاسیر فریقین برای کیفیت غلبه دین اسلام، زمان و شرایط آن طبق آیه ۳۳ توبه و آیات مشابه آن، بیان شده است. لیکن با این رویکرد که روزی اسلام غلبه خواهد کرد و منتظر چنین روزی باید بود، از جهتی صحیح و از جهتی منزوی کردن اسلام و اهداف آن و به عزلت بردن اسلام به زندگی فردی خواهد بود. بله، اگر این هدف، موتور حرکت و در جهت اراده الهی دانسته شود که هر زمان به دستورات الهی، خصوصاً در زندگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و کفر عمل شود و پیروان دین اسلام با مجاهده و تلاش و اتحاد، همان‌گونه که صدر اسلام در معیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاد، به وظایف خود عمل کنند، هر زمان دین اسلام می‌تواند دین نهایی و غلبه‌کننده بر همه دین‌های پوشالی و مکاتب الحاد و کافر شود و تحقق تام و نهایی آن به اذن الله، هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود. این اندیشه‌ای است که امام خامنه‌ای به پیروی از امام خمینی (رحمة الله علیه) برای پیشبرد اهداف اسلام و غلبه بر مستکبرین عالم، عملی کرده است.



منابع

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). «التحریر والتنویر». بی جا: بی نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). «لسان العرب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰). «تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴). «انوار درخشان». تهران: کتابفروشی لطفی.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). «تفسیر نورالثقلین». قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). «المیزان فی تفسیر القرآن». تهران: دار الکتب السلامیه، چاپ پنجم.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). «جامع البیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
۹. طنطاوی بن جوهری، محمد (۱۴۱۲). «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم». بیروت.
۱۰. طوسی، محمد (۱۴۰۲). «التبیان فی تفسیر القرآن». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین (بی تا). «اطیب البیان فی تفسیر القرآن». تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). «کتاب التفسیر». تهران: چاپخانه علمیه.
۱۳. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۱۵). «مفاتیح الغیب». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). «تفسیر الصافی». تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۱۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). «الجامع الأحکام القرآن». تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۱۷. قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). «فی ظلال القرآن». بیروت: دارالشروق.
۱۸. مترجمان (۱۳۷۷). «تفسیرهدایت». مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۹. مراغی، احمد بن موسی (بی تا). «تفسیرالمراغی». بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه تهران، چاپ اول.
۲۱. میدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). «کشف الاسرار و عدة الابرار». تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۲۲. خامنه ای، سید علی. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: www.farsi.khamenei.ir.
۲۳. جوادی آملی. عبدالله. www.rasekhoon.net.

مطالعات قرآنی
مؤسسه پژوهشی

دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

References

The Holy Quran

1. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir (Bita). "Al-Tahrir and Tanweer". Bi-ja: without
2. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1405). "Languages of the Arabs". Beirut: Darah Haya al-Trath al-Arabi, third edition
3. Baghwi, Hossein bin Masoud (1420). "Tafsir al-Baghwi al-Masami Ma'alim al-Tanzir". Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi
4. Hosseini Hamdani, Muhammad (1404). "Bright lights". Tehran: Lotfi bookstore
5. Hawizi, Abd Ali bin Juma (1415). "Tafsir Noor al-Saqlain". Qom: Ismailian, 4th edition
6. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417). "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Dar al-Katb al-Islamiya, fifth edition
7. Tabarsi, Fazl bin Hasan (B.T.A.). "Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Nasser Khosrow Publications
8. Tabari, Muhammad bin Jarir (1412). "Jamae al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an". Beirut: Dar al-Marafa, first edition
9. Tantawi bin Johari, Muhammad (1412). "Al-Jawahar in Tafsir Al-Qur'an Al-Karim". Beirut
10. Tusi, Muhammad (1402). "Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an". Beirut: The Revival of Arab Heritage
11. Tayeb, Seyyed Abdul Hossein (B.T.A.). "Atib al-Bayan in Tafsir al-Qur'an". Tehran: Islam Publications, second edition
12. Ayashi, Mohammad Bin Massoud (1380). "Kitab al-Tafsir". Tehran: Ilmia Printing House
13. Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1415). "Mufatih al-Ghaib". Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition
14. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1408). Beirut: Al-Alami Publishing House, first edition
15. Faiz Kashani, Hilmasan (1415). "Tafsir al-Safi". Tehran: Sadr Library, second edition
16. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad (1405). "Al-Jamae Al-Hakam Al-Qur'an". Tehran: Nasser Khosrow Publishing House, first edition
17. Qutb, Ibrahim Shazli (1412). "In the shadows of the Qur'an". Beirut: Dar al-Shorouk
18. Translators (1377). "Interpretation of guidance". Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation, first edition.
19. Maraghi, Ahmed bin Musa (Beita). "Tafsir al-Maraghi". Beirut: Arab Heritage Darah
20. Makarem Shirazi, Nasser (1374). "Sample Interpretation". Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya Tehran, first edition
21. Meybodi, Rashiduddin (1371). "Kashf Al-Asir and Kit Al-Abrar". Tehran: Amirkabir, fifth edition
22. Khamenei, Seyyed Ali. Office for Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei: ir. farsi.khamenei.www
23. Javadi Ameli Abdullah www.rasekhoon.net